گزارش

فردا؛ ناهار کاری «ظریف» و «اشتون» در «وین»

● پنجمین دور مذاکره هسته‌ای تهران و شش قدرت جهانی در وین، از دوشنبه آغاز می‌شود؛ آن‌هم با ناهار کاری محمدجواد ظریف و کاترین اشتون. هفته‌ای که گذشت دیدار دوجانبه ۱۱ساعته‌ای بین طرف ایرانی و آمریکایی برگزار شد که البته معاون مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز در آن حضور داشت. یک‌روز بعد دیدار دوجانبه ایران و فرانسه انجام شد؛ کشوری که بیشتر احتمال می‌رود بر سر توافق نهایی سنگ‌اندازی کند. دیدار با طرف روس هم بعد از آن انجام شد. امروز نیز در تهران با نماینده آلمان دیداری دوجانبه انجام می‌گیرد تا طرفین برای آغاز مذاکرات سنگینی که از ۲۶ تا ۳۰خرداد در وین آغاز می‌شود، آماده شوند. آنها یک دور دیگر یعنی حدود پنج‌هفته فرصت دارند تا به توافق جامع دست پیدا کنند. اگر در فرصت باقیمانده توافق نهایی به دست نیاید مذاکره‌کنندگان می‌توانند توافق ژنو را شش‌ماه دیگر تمدید کنند.

در همین حال، محمدجواد ظریف در یادداشت‌ها و مصاحبه‌های اخیرش رئوس مورد پیگیری ایران در مذاکرات را روشن کرده است. او در مقاله‌ای در واشنگتن‌پست نوشت: «من اطمینان دارم که تا ماه آینده به یک توافق جامع می‌رسیم که به جهان اطمینان خواهد داد برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز باقی خواهد ماند.» او همچنین یادآوری کرده که «بهتر از الان نمی‌توان بحران غیرضروری هسته‌ای را خاتمه داد.» به گزارش ایسنا او بار دیگر تاکید کرد که در گذشته، برخی توهمات باعث ازبین‌رفتن فرصت‌های به‌وجودآمده شده‌اند و نباید اجازه داد که بار دیگر چشم‌انداز واقعی امکان حصول به یک توافق تاریخی نابود شود. اشاره او به مذاکراتی است که حدود ۱۰سال پیش با هدایت حسن روحانی و با حضور خودش با طرف تروییکای اروپا (آلمان، فرانسه و انگلیس) انجام می‌شد؛ مذاکراتی که ظریف درباره آن نوشته «در پاریس طرحی را به همتایان غربی خود ارایه دادم که تضمین می‌کرد برنامه هسته‌ای ایران تا ابد صلح‌آمیز خواهد ماند. با این حال با فشار دولت بوش، طرف‌های مقابل از ما خواستند تا از غنی‌سازی حداقل تا سال ۲۰۱۵ خودداری کنیم که این موضوع باعث شد عملا امکان حصول به توافق از بین برود. غرب با اشتباه‌گرفتن تعامل سازنده ما به‌عنوان نشانه ضعف و با انتخاب گزینه اعمال فشار و تحریم به‌منظور امتیازگیری عملا باعث تغییر موضع ایران شد؛ این تغییر موضع هم در نتیجه صندوق‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۵ و هم در توسعه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران نمایان شد.»

عباس آخوندی در گفت‌وگو با «شرق» تشریح کرد

«پازل» اجماع روی نامزدی روحانی

عکس: امیر جدیدی، شرق

علی ذهابی

«نه» به ادامه وضعیت گذشته علت اصلی آمدن مردم پای صندوق و در نتیجه آن پیروزی «حسن روحانی» است. این شاه‌بیت صحبت‌های «عباس آخوندی» در گفت‌وگو با «شرق» است. «نه»ای که به اعتقاد وزیر راه، مسکن و شهرسازی دولت تدبیر و امید به این دوره اختصاص ندارد و به جز دوران ریاست‌جمهوری هاشمی، در انتخابات ۷۶، ۸۴ و ۹۲ هم، در بر پاشنه «نه» چرخیده است. «نه»ای که او می‌گوید: «مشکلات زیادی پس از انتخابات در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌ها ایجاد می‌کند.» آخوندی در سالروز پیروزی حسن روحانی (۹۲/۳/۲۵) در یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران تاکید دارد که جامعه ایرانی باید بداند چه می‌خواهد تا به جای رای «نه» رای «آری» بدهد.

در انتخابات ۲۴خرداد ابتدا جامعه و فعالان سیاسی نگاهشان به سمت محمد خاتمی است و بعد به سمت اکبر هاشمی حرکت می‌کند، مایلم کمی درباره علت این موضوع توضیح دهید؟

اگر کمی به عقب برگردیم به نوعی یک انفعال در نیروهای سیاسی به‌وجود آمده بود. و اساس بحث این بود که آیا باید در انتخابات شرکت کنیم یا خیر. من از جمله کسانی بودم که از خرداد۹۱ در مطبوعات چندین یادداشت و مصاحبه داشتم که در هر شرایطی باید در انتخابات شرکت کرد و تحریم انتخابات به یک نحوی بد است. من نامش را «تنبلی روشنفکرانه» گذاشته بودم یعنی به نوعی بی‌عملی خود را توجیه‌کردن است. بنابراین بحث اصلی ما این بود که باید در انتخابات شرکت کرد و اساسا خالی‌کردن عرصه سیاسی به نفع کشور نیست شاید الان خیلی این بحث معنی نداشته باشد اما آن زمان معنی داشت. من معتقد بودم که باید از نیروهای جوان استفاده شود و موافق با حضور آقایان هاشمی و خاتمی و حتی ناطق هم نبودم. در واقع دو پیام روشن داشتم یکی شرکت در انتخابات و دوم اینکه این افراد شاخص نباید وارد انتخابات‌شوند.

و دلیل این دیدگاه شما که خیلی با اکثریت متفاوت بود و نهایتا نگاه همان اکثریت منجر به آمدن هاشمی هم شد چیست؟

دلیلش خیلی روشن است. اگر جامعه روشنفکری معتقد به چرخش نخبگان است نمی‌توان حول محور افرادی ثابت فعالیت کند. تقریبا آن بحث اول جا افتاد یعنی شرکت در انتخابات اما بحث دوم این بود که نمی‌توانیم در انتخابات ریسک کنیم و باید یک فرد با کاریزمای بالا بیاید.

چه افرادی موافق آمدن چهره‌های اصلی به عرصه انتخابات‌بودند؟

معمولا آدم‌های مشهور اینطور فکر می‌کردند اما آقای خاتمی شخصا تمایلی برای نامزدشدن نداشتند هرچند فشار زیادی روی ایشان بود. بنابراین این موضوع چرخید به سمت آقای هاشمی که نامزدی را قبول کنند که بعدا هم آن اتفاقات افتاد.

اما بحث آمدن خاتمی و هاشمی ذهن جناح مقابل را روی این افراد متمرکز کرد، آیا این موضوع برنامه‌ریزی‌شده‌بود؟

خیر برنامه‌ریزی به این شکل نبود.

چون شما مطمئن بودید که تایید صلاحیت آقای خاتمی غیرممکن بود؟

ما مطمئن بودیم که ایشان نامزد نمی‌شوند اما برنامه‌ریزی برای اینکه افکارعمومی را به سمت ایشان بکشانیم نبود. کسی هم فکرش را نمی‌کرد آقای هاشمی رد صلاحیت شود. من معتقد بودم که باید یک پارادایم در عرصه سیاسی کشور ایجاد شود و این نظر من در اقلیت بود و اکثریت معتقد بودند که امکان پارادایم جدید نیست و باید برای حضور در انتخابات به سمت افراد سرشناس بچرخیم.

و اجماع روی آقای خاتمی بود؟

بیشترین اجماع روی آقای ناطق‌نوری بود که ایشان بیاید.

حتی در اصلاح‌طلبان؟

بله، حتی در اصلاح‌طلبان اما خودشان مخالف بودند بنابراین فردی که اجماع نسبی را داشت آقای ناطق بود بعد که مشخص شد ایشان هیچ تمایلی برای حضور ندارند، یک عده‌ای اشتیاق برای حضور آقای خاتمی داشتند و یک عده‌ای هم آقای هاشمی، که بعد مشخص شد آقای خاتمی هم تمایلی برای حضور در انتخابات ندارند. ضمن اینکه افراد دیگری هم بودند اما آنها هم پارادایمی را برای تغییر معرفی نمی‌کردند. بنابراین چرخیدیم به سمت چهره محوری تا اینکه فرد جدیدی مطرح شود.

علت این چرخش اصلاح‌طلب‌ها که در سال۷۶ ناطق‌نوری رقیب آنها محسوب می‌شود، چیست؟

این یک یارگیری اجتماعی است. در هر صورت صحنه سیاسی تغییر می‌کند. در واقع انتخابات۹۲ نشان داد در بین تمام نیروها اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل همه یک یارگیری اجتماعی داشتند. از طرفی هم در واقع شرایط سال۹۱ به قدری سخت و تلخ بود که تغییر هدف بود نه رسیدن به یک وضعیت مشخص و روشن. در واقع این نقطه غیر مثبت صحنه سیاسی ایران است. یعنی اینکه ما معمولا می‌دانیم که چه نمی‌خواهیم و آنچه می‌خواهیم خیلی روشن نیست. سال۹۱ هم همگی می‌دانستند که چه نمی‌خواهند و آن ادامه وضعیت گذشته بود.

اما انتخاب ناطق‌نوری یعنی یک راست به جای یک راست. چه تغییری در ناطق به‌وجود آمده بود که می‌توانست نامزد اصلاح‌طلبان هم باشد؟

البته که آقای ناطق تغییرات جدی کرده بودند از مواضع نحوه اداره مملکت گرفته تا نگاه سیاسی ایشان. در سال۸۸ و در سال۸۴ مواضع خودشان را روشن کرده بودند و بارها اعلام کردند که موافق با آن روند افراطی و رویکرد پوپولیستی که دولت گذشته داشت، نیستند. درواقع آقای ناطق در سال۹۱ یک کارنامه روشن و درخشانی داشتند.

واکنش سیاسیون به ردصلاحیت هاشمی چه بود؟

هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد حتی خود ایشان. زمانی که آقای هاشمی ردصلاحیت شدند تردید شدیدی حاکم شد و افرادی که مخالف شرکت در انتخابات بودند می‌گفتند این هم دلیلش و تعداد افرادی که همچنان در صحنه فعال بودند و می‌گفتند باید به گزینه بعدی فکر کنیم خیلی معدود بود.

اما شما همچنان از موافقان بودید؟

بله، من بعد از جلسه‌ای که آقای هاشمی با ستادشان گذاشتند و دوستان می‌خواستند بروند دنبال کارشان من همان موقع گفتم تازه شروع کار است.

در آن جلسه چه گذشت؟

در کل صحبت‌های هاشمی منفی بود و جزو معدود مواردی بود که آقای هاشمی منفی حرف زدند چون معمولا ایشان امیدوارانه برخورد می‌کنند.

آیا این رفتار واکنش به ردصلاحیت نبود؟

نه، به اعتقاد من یکی از سخنرانی‌های تاریخی ایشان بود. چیزی که خاطرم است این است که ضمن اینکه تلخ صحبت کردند از تداوم حضور در انقلاب و نگرانی از آینده ایران حرف زدند.

از چه زمانی صحبت حسن روحانی به میان آمد؟

بعد از داستان آقای هاشمی یک سرگشتگی ایجاد شد. من به همراه تعدادی از دوستان ازجمله آقای مهندس زنگنه به این نتیجه رسیدیم که در هر صورت باید در انتخابات شرکت کنیم و از بین گزینه‌های باقیمانده استفاده کنیم. با آمدن آقای هاشمی گزینه‌های احتمالی مانند آقای نجفی و یا جهانگیری کنار رفته بودند. بنابراین کسانی که در صحنه باقی مانده بودند، دو نفر بودند. یعنی آقای روحانی و آقای عارف. گزینه‌های واقعی بودند. و باز دو انتخاب داشتیم که یا رها کنیم یا از میان این دو نفر یکی را انتخاب کنیم. نهایتا نظر این شد که باید یکی از این دو نفر را انتخاب کنیم و باید اجماع صورت بگیرد. چون اگر رها کنیم میزان مشارکت کاهش پیدا می‌کند و اگر اجماع کنیم یک هم‌افزایی ایجاد می‌شود که امکان پیروزی را افزایش می‌دهد.

ادامه در صفحه ۴

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **کارتن‌خواب‌ها:** ایستگاه شرکت واحد مخبر شمالی، پل ری و دیگر نقاط تهران به محل کارتن‌خواب‌ها تبدیل شده است. مسوول ساماندهی این بی‌خانمان‌ها کیست؟

فرخی‌پور از تهران

● **پارک معتادان!** پایین‌تر از میدان قیام، مقابل پارک کوثر و هنرستان امام‌صادق(ع) به محل معتادان و افراد بیکار و ولگرد تبدیل شده است. لطفا این پیام را چاپ کنید تا موردتوجه و رسیدگی مسوولان ذی‌ربط قرار گیرد.

عرفان از تهران

● **جریمه‌های سنگین رانندگی:** ماموران راهنمایی و رانندگی با دردست‌داشتن قبض‌های جریمه، منتظر فرصتند تا رانندگان را به محض تخلف، جریمه کنند. متاسفانه جریمه‌ها به قدری سنگین است که برخی رانندگان در پرداخت آنها ناتوانند.

علی‌اکبرفرقانی

● آموزش‌وپرورش باید نسل جوان را طوری بار بیاورد تا در این دنیای پیچیده، کارآمد و زبده و خلاق و هنرمند باشد.

طهماسبی، خرم‌آبادلرستان

● کار در وزارت نفت با سختی شرایط خاص، خطر و بوی بدگازها، انفجار، بعد مسافت، دوری از امکانات و اجتماع و خانواده، استرس کاری و مشکلات خانوادگی و روحی - روانی همراه است، مسوولان و ارگان‌های دیگر با دلایل و مقایسه‌های غیرمنطقی و سطحی یکطرفه به میزان حقوق و مزایای آن لطمه نزنند.

طهماسبی، کارمند شرکت نفت

● برخی ماموران راهنمایی‌ورانندگی در تقاطع ولیعصر-پارک وی برخورد مناسبی با رانندگان خودروها ندارند لطفا بررسی شود.

● آیا توجهی هست که مشکلات درمانگاهی و بیمارستانی باغملک خوزستان با بیشترین روستاهای تابعه در سراسر ایران را ببینند. فاجعه بهداشتی در باغملک خوزستان در راه است.
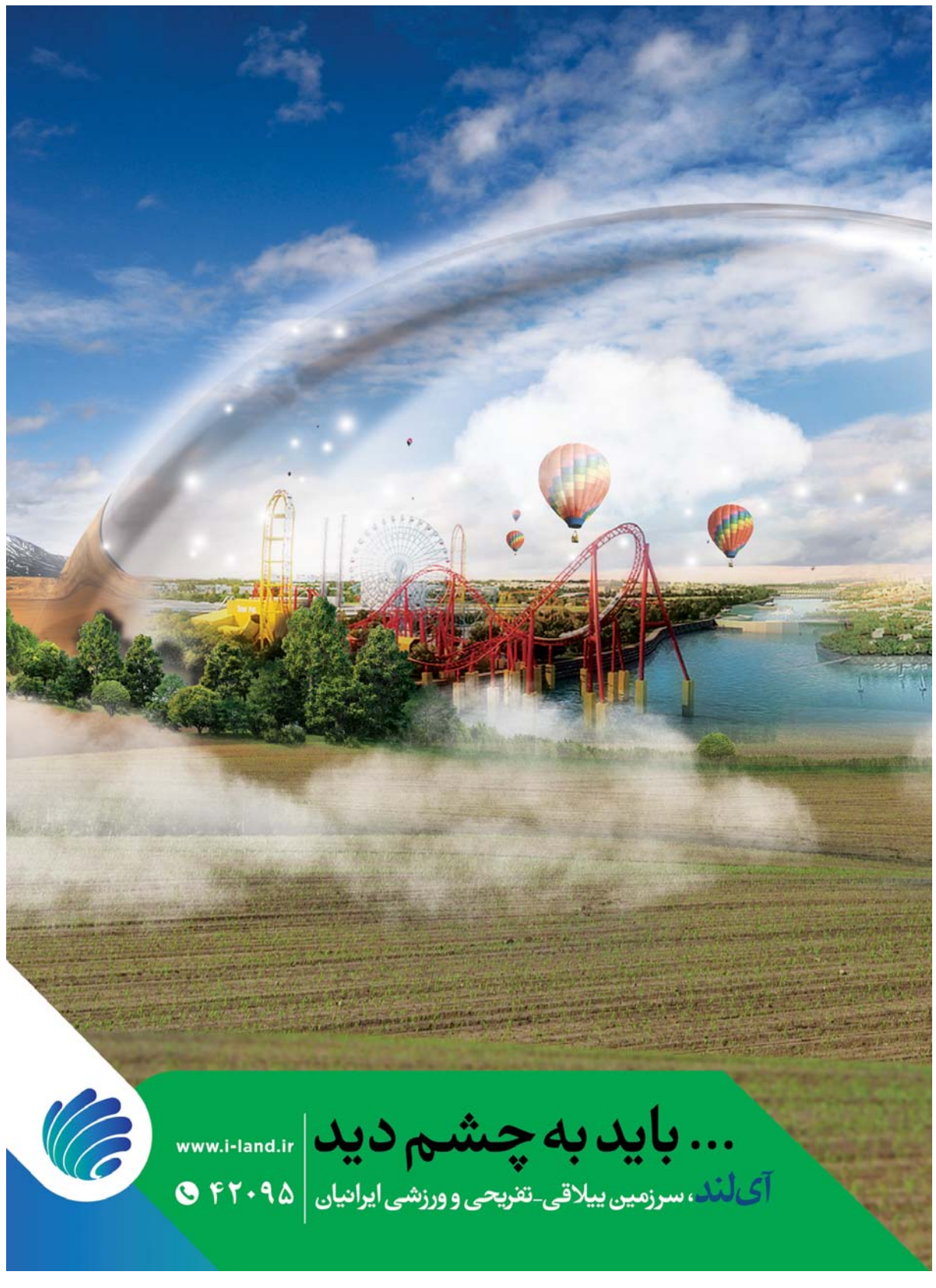
● در شهر جدید پرند حق جمع‌آوری فاضلاب از مشترکان دریافت می‌شود ولی فاضلاب این شهر به داخل رودخانه شور ریخته می‌شود و بوی تعفن و آلودگی‌های زیست‌محیطی و فراوانی پشه دیده می‌شود و شاید در آینده در این منطقه مالاریا و سالک و بیماری‌های دیگر ظهور پیدا کند پس این پول‌ها که بابت فاضلاب گرفته می‌شود به کجا می‌رود.